

تحلیل ظرفیت سنجی جمعیتی در مناطق مرزی استان اردبیل

میرنجف موسوی - استاد گروه جغرافیا، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران
نگین بابایی تازه کند قشلاق* - دانشجوی کارشناسی ارشد، برنامه‌ریزی آمایش سرزمین، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران
شیوا بویری - دانشجوی کارشناسی ارشد، برنامه‌ریزی آمایش سرزمین، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۲۳

چکیده

جمعیت یکی از عناصر بنیادی در برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به‌شمار می‌رود. بر این اساس، آگاهی از چند و چون جمعیت و شناخت ساختار، ابعاد و گستردگی فضایی آن از ابزارهای مهم تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی به‌شمار می‌رود. چرا که در بسیاری از کشورها از جمله در ایران حدود نیمی از جمعیت کشور در این مناطق سکونت دارد. اما با این وجود نابرابری منطقه‌ای بین مناطق مرزی و مرکزی کشور نمایان است. از این رو مناطق مرزی تفاوت‌های فاحشی از نظر برخورداری از رفاه و توسعه در مقایسه با مراکز عمده‌ی جمعیتی دارند. هدف از نگارش این مقاله تحلیل ظرفیت سنجی جمعیت در مناطق مرزی استان اردبیل می‌باشد. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیل بوده و برای گردآوری داده‌های مورد نیاز از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. داده‌ها با استفاده از مدل نرخ رشد جمعیت و ضریب کشش‌پذیری مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که از بین شهرستان‌های مرزی استان اردبیل، شهرستان‌های پارس‌آباد و اردبیل در سه دوره‌ی مورد بررسی روند مثبتی داشته‌اند.

واژه‌گان کلیدی: ظرفیت سنجی، جمعیت، مناطق مرزی، استان اردبیل

مقدمه

جمعیت یکی از عناصر بنیادی در برنامه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به شمار می رود (قدیری معصوم و دیگران، ۱۳۹۲: ۵۸). لذا توجه به شاخص ها و معیارهای جمعیتی و بکار بستن آنها در بعد اجرایی برنامه ریزی ها می تواند نقش مهمی در برنامه ریزی پایدار داشته باشد (لطفی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۴۴). بنابراین افزایش جمعیت شهرها و چگونگی اسکان آنها یکی از مشکلات شهرهای امروزی به شمار می رود (ضابط محبوب و دیگران، ۱۳۹۲: ۱). بطوریکه یکی از مباحث مهم ساختار جمعیت، توزیع مکانی آن است (قدیری معصوم، ۱۳۹۲: ۵۸). به گونه ای که در نیمه دوم قرن بیستم، مهمترین چالش علمی و اجتماعی در خصوص برنامه ریزی جمعیت، رشد سریع و تمرکز فزاینده آن در یک یا چند نقطه شهری بخصوص در کشورهای جهان سوم بود که غرب این پدیده را، نوعی ناهنجاری منجر به عدم تعادل و بی عدالتی در توزیع فرصت ها و ناکارآمدی نظام فرایند تعریف کرد. که استمرار چنین فرآیندی منجر به روند تکاثری برای سکونتگاه های مسلط و تضعیف کارکردی مکان های کوچکتر خواهد شد. در واقع تداوم این شرایط باعث شکل گیری عدم توازن در توزیع فضایی و بروز مشکلات ناشی از ازدحام و تراکم در شهرها و تخلیه مکان های دیگر می گردد (احمدی و دادگر، ۱۳۹۶: ۶). با توجه به اینکه انگیزه مهاجرت از روستا به شهر، بهره مندی و دستیابی به امکانات بیشتر است، توجه مهاجران بیشتر به کلان شهرهایی است که بنا به دلایلی مانند سیاستهای نادرست، تبدیل به کانون تمرکز امکانات و خدمات شده و همین امر باعث افزایش شدید تراکم در این شهرها و پیامدهای ناشی از آن شده است (تقدیسی و احمدی، ۱۳۹۱: ۱۳۴). با توجه اینکه جمعیت ایران بصورت نامتعادل و نامناسبی توزیع شده (قدیری معصوم و دیگران، ۱۳۹۲: ۵۸). و نیز سابقه طولانی در شهرنشینی و وجود شهرهای بزرگ از گذشته تاکنون موضوع مناطق کلانشهری و نحوه مدیریت آنها نسبتا جدید بوده و اقدامات قابل توجهی در این زمینه انجام نگرفته است (لاله پور و سرور، ۱۳۹۳: ۱۰۶). با این وجود کلانشهرها و مناطق کلانشهری در دنیای جدید از سابقه ای نسبتا زیاد برخوردارند (همان: ۱۰۶). مادرشهرها به جهت برخورداری از افزایش روز افزون جمعیت و نیز تأثیرات متقابل فضایی و روابط عملکردی، همواره دگرگونی ها و تغییرات عمده ای را به نواحی پیرامونی خود تحمیل می کنند (شریفی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۶). تهران به عنوان مرکز و شهر اصلی و کانون اتخاذ تمام تصمیمات و سیاست های کلان و خرد کشور در زمینه های مختلف اداری، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بوده است. این تمرکز سیاسی سبب تمرکز فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی، آموزشی و... شد که فرصتهای شغلی متنوع و متعدد ایجاد گردید و وجود فرصتهای شغلی زیاد جمعیت زیادی از سراسر کشور جذب نمود (رضایی و پور احمد، ۱۳۸۸: ۵۱) بنابراین در طی دهه های اخیر، در سیاست های کلان کشوری به جای تمرکز زدایی در تصمیم گیری و نحوه ی اداره ی شهری و منطقه ای، تمرکززدایی از نقش ها و عملکردهای کلان شهری مد نظر قرار گرفته است (یاسوری و دیگران، ۱۳۹۳: ۳۲). تمرکز فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی، آموزشی و... (رضایی و پور احمد، ۱۳۸۸: ۵۱) در مناطق مرکزی و کلانشهرها، موجب نابرابری منطقه ای میان کلانشهرها و مناطق مرزی کشور می شود. در همین راستا این مقاله تلاش می کند پتانسیل و ظرفیت پذیرش جمعیتی شهرستانهای مرزی استان اردبیل را بررسی کرده و نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید آن را شناسایی نماید و در نهایت رهنمودهایی را در جهت توازن و آمایش جمعیتی ارائه کند.

مرز از جمله مفاهیمی است که در عرصه های گوناگون سیاسی، اقتصادی، تجاری، فرهنگی و جغرافیایی کاربردهای متفاوتی پیدا می کند (عندلیب و مطوف، ۱۳۸۸: ۶۲). مناطق مرزی و خطوط مرزی نقش جداکننده واحدهای سیاسی را از یکدیگر به عهده دارند. مرز سیاسی به پدیده ای فضایی اطلاق میشود که منعکس کننده قلمرو حاکمیت سیاسی می باشد و مطابق قواعد خاص در مقابل حرکت انسان، انتقال کالا یا نشر افکار مانع ایجاد می کند. از این رو مهمترین نقش مرزها، ایجاد مانع در برابر حرکت انسان، کالا و تفکرات است. درجه ای که هر مرز بر چنین حرکاتی تأثیر میگذارد، نفوذپذیری آن مرز خطاب می شود. هدف از ایجاد مرزها، اعمال حاکمیت دولتها بر مناطق تحت کنترل خود و مردم

ساکن در این مناطق بوده است، اما با تحولاتی که در جهان صورت گرفته، مسأله حاکمیت دولت ها بر مناطق تحت کنترل خود تضعیف شده است (محمد پور و دیگران، ۱۳۸۴:۱۴۸). کارکرد و نقش مرزها عاملی کلیدی در توسعه ی مناطق و شهرهای مرزی است (صفرآبادی و دیگران، ۱۳۹۵:۹۶). ارتقای سطح توسعه و اهمیت دادن به مناطق مرزی نقش مهمی در حفظ ترکیب و تعادل جمعیتی این مناطق دارد. جلوگیری از مهاجرت های بی رویه از مناطق مرزی کشور به سوی شهرهای مرکزی، حفظ ترکیب جمعیتی از طریق کنترل مرزها، بهبود تراکم جمعیتی از طریق ایجاد زیر ساخت های توسعه ای و ... میتواند در حفظ تعادل جمعیتی مرزها نقش تعیین کننده ای داشته باشند (مشفق و دیگران، ۱۳۹۴:۱۲۴). اما امروزه باید توجه داشت که مناطق مرزی بواسطه ی دوری از مرکز، انزوای جغرافیایی و توسعه نیافتگی (موسوی و رحیمی، ۱۳۹۶:۶)، ناپایداری الگوی اسکان و سکونت، نظام و الگوی مرادوات و تبدلات، تفاوت های فرهنگی - قومی و نژادی، تهدیدات خارجی و ساختار دوگانه و دوگانگی سیستمی (موسوی و دیگران، ۱۳۹۴:۵۸)، که این تفاوت ها منجر به گسست این دو ناحیه و ایجاد یک رابطه استثماراری به نفع مرکز می شود (موسوی و رحیمی، ۱۳۹۶:۶). نابرابری منطقه ای میان مناطق مرزی و مرکزی در اکثر کشورهای جهان سوم امری اجتناب ناپذیر میباشد، که در اثر ساختارهای متمرکز نظام برنامه ریزی در فرآیند تاریخی به وجود آمده است (ابراهیم زاده و دیگران، ۱۳۹۱:۲۱۴). توسعه شهرها و مناطق مرزی در قالب سه رویکرد اساسی تحت عنوان «رویکرد سنتی مکان»، «رویکرد همکاری های بین مرزی»، «رویکرد مردمی» مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته اند. (کلانتری و دیگران، ۱۳۹۱:۲۱۰) بر این اساس میتوان گفت در رابطه با توسعه مناطق مرزی نظریه های مختلفی از قبیل نظریه مکان مرکزی کریستالر، نظریه قطب رشد، نظریه مرکز پیرامون، نظریه برگشت مرکز به کار گرفته می شوند که هر کدام باتوجه به شرایط و اصول خاصی طراحی شده اند و در سطوح خاصی کاربرد دارند (پرنیان و دیگران، ۱۳۹۶:۱۷۶). اما نخستین تحول در زمینه توسعه مناطق مرزی، ریشه در تفکرات نظریه های مکان مرکزی بویژه نظریه والتر کریستالر دارد. او سعی داشت علت اصلی عدم تعادل های منطقه ای را میان مناطق مرکزی و مناطق مرزی مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. بعدها هانسن (۱۹۷۲) با پایه قرار دادن مطالعات کریستالر، مدعی شد مناطق مرزی به دلیل اینکه فضاهای مکمل را از هم جدا می سازند، آسیب پذیرند (ابراهیم زاده و دیگران، ۱۳۹۱:۲۱۵). در دیدگاه نظریه قطب رشد، تأکید بر قطبی بودن توسعه به این مفهوم است که هر قطب، سلسله مراتبی از مرز بندی را از طریق حوزه ی نفوذ و حیطه ی جغرافیایی خود به صورت امواج پی در پی مشخص می سازد. بر این اساس به میزان قوت قطب رشد، حیطه ی این مرز بندی ها نیز گسترش می یابد، اما مرزها مانع عبور تأثیرات قطب رشد به کشورهای مجاور می شود (موسوی و رحیمی، ۱۳۹۴:۱۰). در نظریه مرکز رشد با رقیق تر شدن مفهوم قطب رشد به مرکز رشد، مرز نیز رقیق تر می شود و تضاد بین مرکز و مرز کاهش می یابد. بدلیل تعداد مراکز رشد، مرزهای حوزه ی نفوذ این مراکز متعدد شده و در نتیجه، اختلاط و تداخل اجتناب ناپذیر آنها باعث رقیق تر شدن این مرزها می شود و در نهایت فاصله بین توسعه یافتگی مناطق مرزی و غیر مرزی کم می گردد. فاصله مرز تا مرکز رشد نسبت به فاصله آن تا قطب رشد کاهش می یابد و اثر آن نیز رقیق تر می گردد (عزتی و دیگران، ۱۳۹۰:۱۸۷). نظریه مرکز - پیرامون نیز، مرزهای بین المللی کشورها را یکی از موانع در برابر بهبود مناطق مرزی می داند. به اعتقاد بسیاری از صاحب نظران این نظریه فرآیند یکپارچگی اقتصادی و همکاری های بین مرزی، نظم اقتصادی و توسعه فضایی مناطق مرزی و پیرامونی را تغییر خواهد داد و موجب رونق و جمعیت پذیری و اهمیت استراتژیکی این مناطق خواهد شد (ابراهیم زاده و دیگران، ۱۳۹۱:۲۱۹). بر اساس نظریه برگشت مرکز مناطق مرزی یا دور افتاده محروم تر و توسعه نیافته ترند و این ایده وجود دارد که به دنبال توسعه مناطق مرکزی احتمال دارد که برگشت تمرکز باعث توسعه این مناطق می شود. اساس این نظریه بر سیاست گذاری منطقه ای در جهت هدایت توسعه از مرکز به مناطق پیرامونی است (پرنیان و دیگران، ۱۳۹۶:۱۷۷).

ایران از نظر مساحت و همچنین جمعیت، از جمله کشورهای بزرگ آسیا است (مشفق و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۲۲). جمعیت ایران به صورت نامتعادل و نامتناسبی توزیع شده است. در برخی قسمت‌ها جمعیت انبوه است و در پاره ای مناطق جمعیت پراکنده ای زندگی می‌کند. (مهراجانی، ۱۳۸۹: ۴۶). اما باید توجه داشت که حدود ۵۰ درصد از مساحت کشور و ۵۰.۷ درصد از جمعیت کشور متعلق به مناطق مرزی است، این امر بیانگر آن است که ۵۰ درصد توسعه کشور باید در مناطق مرزی متمرکز گردد تا تعادل منطقه ای در الگوی فضای ناحیه ایران برقرار شود (ابراهیم زاده و دیگران، ۱۳۹۱: ۲۱۷). که ایران در این زمینه دارای مشکلات خاصی است. در واقع یکی از خصوصیات ساخت اقتصادی و اجتماعی ایران این است که یک منطقه یا چند منطقه کشور توسعه یافته و بقیه مناطق کشور از مسئله توسعه نیافتگی رنج می‌برند. از جمله مهمترین این مناطق که دارای محرومیت و توسعه نیافته اند، مناطق مرزی کشور می‌باشند که به رغم توانمندی‌های گسترده هنوز دارای محرومیت هستند (پرنیان و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۷۴). که این امر نیازمند توجه و برنامه ریزی برای کاهش این نابرابری‌ها است. بر اساس پژوهش‌های انجام گرفته توسط سرور و همکاران (۱۳۹۵)، شهیکی تاش و همکاران (۱۳۹۴)، سرور و همکاران (۱۳۹۳)، متقی و همکاران (۱۳۹۳)، ابراهیم زاده و همکاران (۱۳۹۱)، توکلی و همکاران (۱۳۹۰)، موسوی و همکاران (۱۳۸۹)، سعید آبادی و همکاران (۱۳۸۹)، عندلیب و مطوف (۱۳۸۸) میتوان گفت شاخص‌های توسعه در مناطق مختلف کشور و به ویژه در مناطق مرزی به صورت متعادل توزیع نشده اند. همچنین در رابطه با توزیع جمعیت با توجه به پژوهش‌های انجام گرفته توسط موسوی و رحیمی (۱۳۹۶)، احمدی و دادگر (۱۳۹۶)، مشفق و همکاران (۱۳۹۴)، موسوی و همکاران (۱۳۹۴)، سیداخلاقی و همکاران (۱۳۹۱)، وارثی و احمدی (۱۳۹۰) می‌توان گفت جمعیت و شاخص‌های جمعیتی به طور نامتعادل در بین مناطق مرزی و غیر مرزی کشور توزیع شده، در حالیکه بسیاری از مناطق مرزی دارای قابلیت‌هایی برای اسکان جمعیت هستند.

وانگ و دیگران (۲۰۱۸) در مطالعه ای در زمینه «تأثیر مرز بر توسعه شهرها در چین» پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند مرزها بر توسعه آن منطقه و نیز توسعه شهری کمک شایان توجهی می‌کنند البته باید توجه داشت که اگر در شهرهای مختلف مرزها تأثیر یکسانی بر توسعه نواحی شهری داشته باشند ممکن است در اجرای توسعه اختلال و مشکلاتی به وجود آید.

لوزوک و آستینوویچز (۲۰۱۵) تحقیقی تحت عنوان «مفهوم توسعه چند منظوره مناطق مرزی» انجام داده‌اند که نتایج آنها گویای آن است که دستیابی به توسعه پایدار در یک کشور بستگی به وضعیت اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی آن مناطق دارد و تمام شرایط باید در نظر گرفته شود.

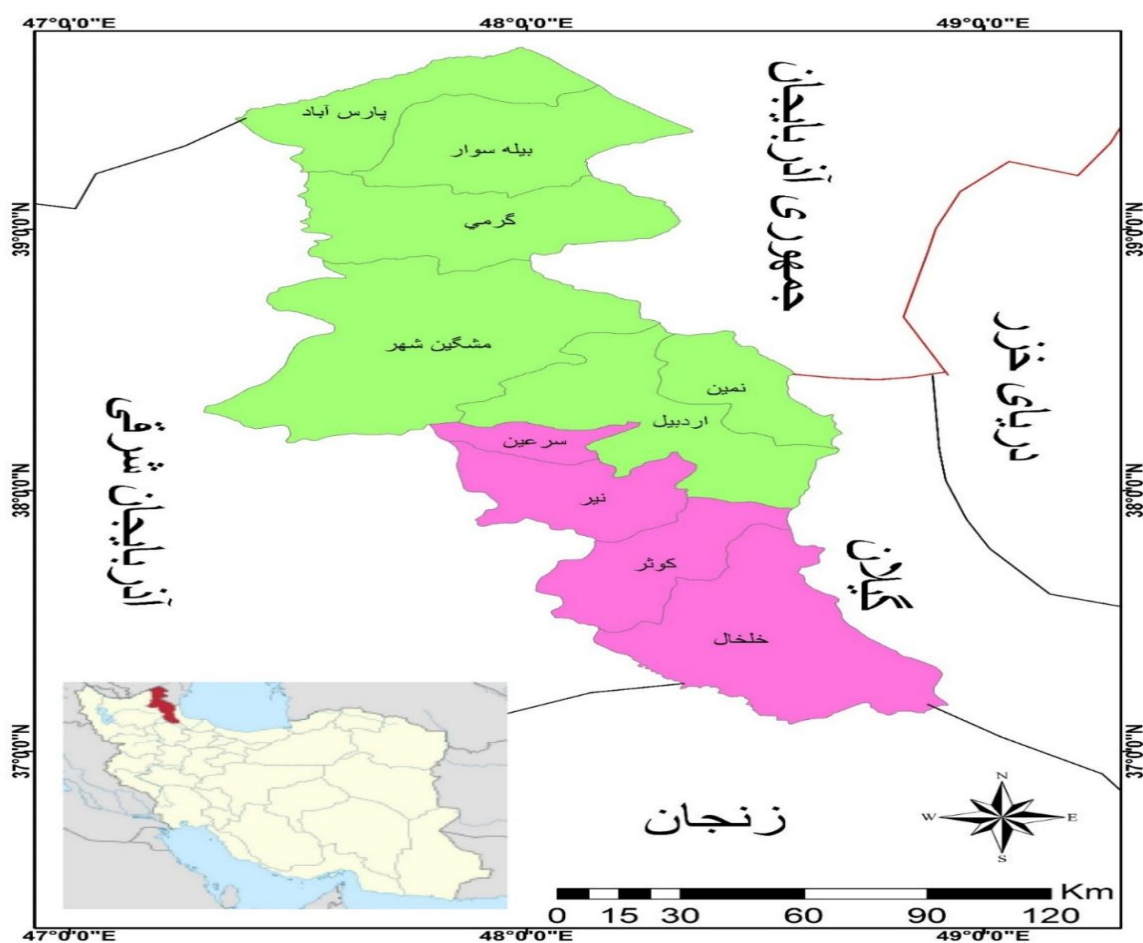
یو و دیگران (۲۰۱۸) در مقاله «خصوصیات و قواعد حل معضل جمعیت شناور در شهرهای مرزی چین» نتیجه گیری کردند که سرمایه انسانی، شرایط اقتصادی، ثبات خانوادگی، امنیت اجتماعی و فرهنگی همگی بر مقاصد اسکان جمعیت شناور در شهرهای مرزی تأثیر می‌گذارند. بنابراین دولت‌های محلی باید بر توسعه اجتماعی - اقتصادی محلی تأکید کرده و امنیت اجتماعی و زندگی بیشتری را فراهم کنند.

روش پژوهش

روش تحقیق در این مطالعه از نظر هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی - تحلیلی است. برای تدوین مبانی نظری و انتخاب مدل‌های سنجش از منابع کتابخانه‌ای و برای گردآوری داده‌ها و آمارهای مورد نیاز از اطلاعات سرشماری‌های رسمی مرکز آمار ایران در دوره‌های ۱۳۷۵، ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ استفاده شده است. جامعه آماری مورد نظر در این پژوهش، شهرستان‌های استان اردبیل می‌باشد. در این تحقیق در ابتدا با توجه به ادبیات موضوع، مدل‌های مورد نیاز انتخاب گشته سپس داده‌ها و اطلاعات خام استخراج شده از آمارهای رسمی کشور، تجزیه و تحلیل‌های مد نظر انجام گرفته است. مدل‌های بکارگرفته شده در این تحقیق نرخ رشد، ضریب کشش پذیری است.

محدوده مورد مطالعه

استان اردبیل در قسمت شمالی فلات ایران با وسعتی معادل ۱۷۸۶۷ کیلومتر مربع که بین ۳۷ درجه و ۴۵ دقیقه و ۳۹ درجه و ۴۲ دقیقه عرض شمالی از خط استوا و ۴۷ درجه و ۳۰ دقیقه و ۴۸ درجه و ۵۵ دقیقه طول شرقی از نصف النهار مبدأ گرینویچ قرار دارد. میانگین ارتفاع آن بیش از ۱۴۰۰ متر از سطح دریاست. استان اردبیل از شمال با جمهوری آذربایجان و از شرق با استان گیلان و از جنوب با استان زنجان و از غرب به استان آذربایجان شرقی محدود است. بر اساس تقسیمات کشوری در سال ۱۳۹۰ استان اردبیل دارای ۱۰ شهرستان، ۲۶ شهر، ۲۹ بخش، ۷۱ دهستان و ۱۶۹۶ آبادی دارای سکنه بومی بوده است.



شکل ۱. محدوده مورد مطالعه

یافته ها و بحث

با توجه به سرشماری سراسری در سالهای ۱۳۷۵، ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ تراکم جمعیت استان اردبیل را می توان این گونه تحلیل کرد: بیشترین تراکم جمعیت استان بر اساس آمار سرشماری ها در هر چهار دوره، در شهرستان اردبیل سکونت داشته است. تمرکز زیاد جمعیت در این شهرستان به دلیل تمرکز بیشتر خدمات عالی اجتماعی - اقتصادی و صنعتی (قرخلو و دیگران، ۱۳۸۷:۹۴) و به دنبال آن مهاجرت های شغلی و همچنین ازدواج و ... می باشد. کمترین میزان تراکم جمعیت در سرشماری سال ۱۳۷۵ در شهرستان نیر، در سرشماری سال ۱۳۸۵ در شهرستان مشگین شهر و در

سرشماری سالهای ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ در شهرستان جدید سرعین بوده که از دلایل تراکم کم جمعیت را در این شهرستان (سرعین) نتیجه نو ظهور بودن آن دانست.

جدول ۱. جمعیت استان اردبیل بر اساس سرشماری سراسری ۱۳۷۵، ۱۳۸۵، ۱۳۹۰، ۱۳۹۵

جمعیت استان اردبیل				شهرستان	
۱۳۹۵	۱۳۹۰	۱۳۸۵	۱۳۷۵		
۵۱۴۰۴	۵۳۷۶۸	۵۵۰۲۶	۵۹۵۸۴	بيله سوار	شهرستان
۱۷۷۶۰۱	۱۷۳۱۸۲	۱۶۶۱۳۱	۱۳۸۸۸۷	پارس آباد	
۷۶۹۰۱	۸۴۲۶۷	۹۱۲۷۰	۱۰۴۰۶۴	گرمی	
۶۰۵۹۹۲	۵۶۴۳۶۵	۵۴۸۸۳۲	۴۶۲۶۳۲	اردبیل	
۲۰۸۶۴	۲۳۶۵۶	۲۴۲۸۱	۱۶۴۰۰۷	مشکین شهر	
۶۰۶۵۹	۶۱۳۳۳	۵۹۶۴۰	۶۹۳۴۹	نمین	
۲۲۱۲۷	۲۶۱۹۸	۲۸۷۲۱	۳۰۵۱۴	نیر	شهرستان
۱۴۹۹۴۱	۱۵۱۱۵۶	۱۵۹۲۴۲	۳۴۵۱۴	کوثر	
۸۶۷۳۱	۹۲۳۳۲	۹۵۰۰۵	۱۳۷۹۹۲	خلخال	
۱۸۲۲۰۰	۱۸۳۳۱	-	-	سرعین	

مأخذ: مرکز آمار ایران ۱۳۷۵، ۱۳۸۵، ۱۳۹۰، ۱۳۹۵.

براساس نتایج آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵، جمعیت کشور از حدود ۷۵.۱۵ میلیون نفر در سال ۱۳۹۰ به ۷۹.۹۳ میلیون نفر در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است. در دوره ۵ ساله ۱۳۸۵ - ۱۳۹۰، متوسط نرخ رشد سالانه جمعیت از ۱.۲۹ درصد به ۱/۲۴ درصد در دوره ۱۳۹۰-۱۳۹۵ رسیده است این نسبت کاهش را میتوان نتیجه کاهش نرخ موالید نسبت به مرگ و میر، افزایش مهاجرت افراد جویای کار به مناطق دیگر و ... دانست. نرخ رشد جمعیت استان اردبیل در یک دوره ده ساله، یعنی دوره ۱۳۷۵ - ۱۳۸۵، ۰.۵ درصد بوده است که در دوره ۵ ساله بعدی (۱۳۸۵-۱۳۹۰) روندی کاهشی داشته است که می توان آن را نتیجه مهاجرفرست بودن و نرخ باروری پایین به ویژه در نقاط روستایی، تبعیت از سیاستهای کاهش جمعیت دانست که توجیه کننده نرخ رشد پایین جمعیت است. در دوره ۱۳۸۵-۱۳۹۰ نرخ رشد این استان ۰.۳۳ درصد و در دوره ۱۳۹۰ - ۱۳۹۵ نرخ رشد جمعیت به ۰.۳۵ درصد رسیده است اما با این وجود میزان مهاجر فرستی (مهاجرت افراد جویای کار به کلانشهرها و همچنین ازدواج) این استان در این دوره (۱۳۹۰ - ۱۳۹۵)، نسبت به دوره قبلی یا سال های ۱۳۸۵ - ۱۳۹۰ افزایش یافته است.

جدول ۲. نرخ رشد استان اردبیل در دوره های مختلف

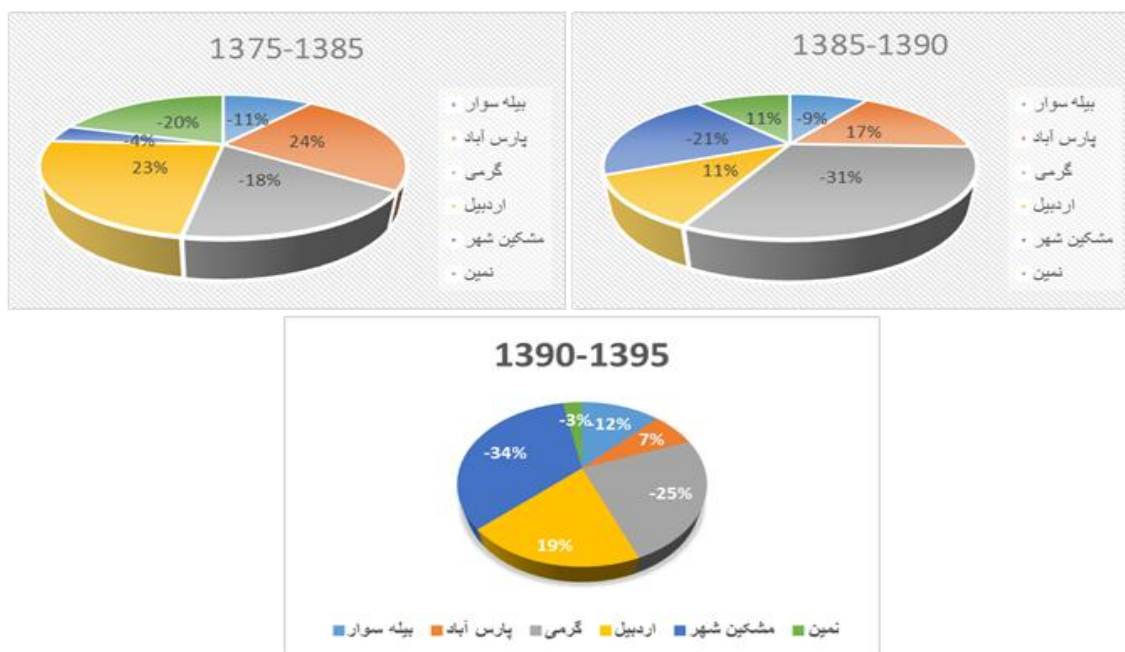
نرخ رشد استان اردبیل		
۱۳۹۵-۱۳۹۰	۱۳۹۰-۱۳۸۵	۱۳۸۵-۱۳۷۵
۰.۳۵	۰.۳۳	۰.۵

مرزها با گسترش فعالیت های اقتصادی و اجتماعی می توانند مشاغل مورد نیاز را ایجاد و موجب ماندگاری جمعیت و جذب نیروی کار از مناطق دیگر شوند و بدین ترتیب در رشد و توسعه منطقه ای و ملی ایفای نقش کنند چرا که جمعیت خود یکی از عناصر اصلی و مهم توسعه اقتصادی در کشور می باشد و در ایجاد جوی آرام و امن در مناطق مرزی نقش بسزایی را دارد. استان اردبیل نیز یکی از استان های مرزی کشور بوده که به عنوان قطب کشاورزی شناخته شده است، که در صورت برنامه ریزی توان و قابلیت گسترش فعالیت های مربوط در این حوزه و جذب جمعیت را دارا می باشد. اما متأسفانه به در این استان مرزی رشد جمعیت از سال ۱۳۷۵-۱۳۹۵ دارای روند کاهشی بوده و به عنوان یک استان مهاجرفرست در

سطح ملی شناخته شده است. نرخ رشد جمعیت در تمامی شهرستان‌های مرزی به جز شهرستان اردبیل در تمامی دوره‌ها دارای روند کاهشی می‌باشد. این شهرستان از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰ دارای نرخ رشد نزولی می‌باشد اما در دوره ۱۳۹۰-۱۳۹۵ اندکی رشد را تجربه کرده است این امر می‌تواند در نتیجه افزایش میزاد موالید نسبت به مرگ و میر دانست. کمترین میزان رشد جمعیت مربوط به شهرستان گرمی می‌باشد. نرخ رشد شهرستان‌های پارس آباد و اردبیل در تمامی دوره‌های مورد بررسی روند مثبتی را نشان می‌دهد (جدول ۳). از دلایل کاهش جمعیت این استان همچنین می‌توان به نرخ بالای مرگ و میر در نتیجه بیماری‌های قلبی و عروقی، مهاجرت جوانان به استان‌های دیگر برای کار و تحصیل یا ازدواج، نرخ پایین باروری در نتیجه تبعیت از سیاست‌های کاهش جمعیت (از دوره‌های قبل تا کنون) دانست. در نتیجه کاهش نرخ موالید جمعیت تمامی شهرستان‌های این استان رو به پیری نیز پیش می‌رود.

جدول ۳. نرخ رشد شهرستان‌های استان اردبیل در دوره های ۱۳۷۵-۱۳۸۵، ۱۳۸۵-۱۳۹۰، ۱۳۹۰-۱۳۹۵.

نرخ رشد در شهرستان های استان اردبیل			شهرستان	
۱۳۹۵-۱۳۹۰	۱۳۹۰-۱۳۸۵	۱۳۸۵-۱۳۷۵		
-۰.۹	-۰.۴۶	-۰.۷۹	بيله سوار	مرزی
۰.۵۱	۰.۸۳	۱.۸۱	پارس آباد	
-۱.۸۱	-۱.۵۸	-۱.۳	گرمی	
۱.۴۳	۰.۵۶	۱.۷۲	اردبیل	
-۲.۴۸	-۱.۰۴	-۰.۲۹	مشکین شهر	
-۰.۲۲	۰.۵۶	-۱.۵	نمین	
-۳.۳۲	-۰.۵۳	-۲.۲۶	نیر	غیر مرزی
-۰.۱۶	-۱.۸۲	۰	کوثر	
-۱.۲۴	-۰.۵۷	-۳.۶۶	خلخال	
-۰.۰۳	۰	۰	سرعین	



شکل ۲. نرخ رشد جمعیت شهرستان‌های مرزی استان اردبیل در دوره های ۱۳۷۵-۱۳۸۵، ۱۳۸۵-۱۳۹۰ و ۱۳۹۰-۱۳۹۵.

ضریب کشش پذیری در استان اردبیل برای دوره های ۱۳۷۵-۱۳۸۵، ۱۳۸۵-۱۳۹۰، ۱۳۹۰-۱۳۹۵ در جدول (۴) محاسبه شده است. ضریب کشش پذیری میزان ظرفیت هر یک از شهرستان ها را در جذب جمعیت نسبت به سایر شهرستان های استان اردبیل نشان می دهد با توجه به نتایج به دست آمده از جدول (۴) میتوان گفت در دو دوره (۱۳۷۵-۱۳۸۵) و (۱۳۸۵-۱۳۹۰) شهرستان پارس آباد از بیشترین ظرفیت برای جذب جمعیت استان برخوردار است اما در دوره ۱۳۹۰-۱۳۹۵ رو به کاهش بوده و شهرستان اردبیل دارای بیشترین ضریب کشش می باشد اما همچنان ضریب کشش- پذیری با این شهرستان ها نیز طی این دوره ها روند کاهشی را دنبال می کنند. همچنین در بین شهرستان های مرزی این استان، شهرستان های گرمی و مشگین شهر دارای کمترین ظرفیت می باشند. در بین شهرستان های غیر مرزی نیز شهرستان کوثر دارای کمترین ضریب کشش پذیری است.

جدول ۴. ضریب کشش پذیری شهرستان های استان اردبیل در دوره های ۱۳۷۵-۱۳۸۵، ۱۳۸۵-۱۳۹۰، ۱۳۹۰-۱۳۹۵.

ضریب کشش پذیری			شهرستان	
۱۳۹۰-۱۳۹۵	۱۳۸۵-۱۳۹۰	۱۳۷۵-۱۳۸۵		
-۲.۵۷	-۱.۳۹	-۱.۵۸	بيله سوار	مرزی
۱.۴۵	۲.۵۱	۳.۶۲	پارس آباد	
-۵.۱۷	-۴.۷۸	-۲.۶	گرمی	
۴.۰۸	۱.۶۹	۳.۴۴	اردبیل	
-۷.۰۸	-۳.۱۵	-۰.۵۸	مشکین شهر	
-۰.۶۲	۱.۶۹	-۳	نمین	
-۹.۴۸	-۱.۶۰	-۴.۵۲	نیر	غیر مرزی
-۰.۴۵	-۵.۵۱	۰	کوثر	
-۳.۵۴	-۱.۷۲	-۳.۶۶	خلخال	
-۰.۰۸۵	-	-	سرعین	

نتیجه گیری

هدف از انجام این پژوهش تحلیل ظرفیت سنجی جمعیتی مناطق مرزی استان اردبیل می باشد که بدین منظور چهار دوره متوالی سرشماری (۱۳۷۵، ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵) مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. بر این اساس برای دست یابی به نتایج مورد نظر از مدل نرخ رشد جمعیت و ضریب کشش پذیری برای دوره های مختلف، استفاده شده است. در این تحقیق شهرستان های استان در دو گروه شهرستان های مرزی و شهرستان های غیر مرزی جای می گیرند. نتایج به دست آمده از این تحقیق حاکی از آن است که نرخ رشد استان از دوره ۱۳۷۵ - ۱۳۸۵ به دوره ۱۳۸۵ - ۱۳۹۰ روند کاهشی را دنبال کرده است که میتوان آنرا نتیجه مهاجرت جمعیت جوان به استان های مرکزی کشور جهت دست یابی به اشتغال دانست. همچنین از دلایل دیگری که میتوان برای مهاجرت جوانان ذکر کرد، تمایل آنان برای دستیابی به تحصیلات دانشگاهی است. از دیگر دلایل کاهش جمعیت در این دوره میتوان به کنترل جمعیت در این استان اشاره کرد. روند رشد جمعیت در دوره بعد (۱۳۹۰ - ۱۳۹۵) اندکی افزایش داشته است.

همچنین در رابطه با نرخ رشد جمعیت شهرستان های استان اردبیل می توان گفت، در بین شهرستان های مرزی استان اردبیل، شهرستان پارس آباد و اردبیل در تمامی دوره های مورد بررسی دارای نرخ رشد مثبتی بوده اند اما با این وجود شهرستان پارس آباد دارای روند نزولی از دوره اول (۱۳۷۵ - ۱۳۸۵) تا دوره ی آخر (۱۳۹۰ - ۱۳۹۵) می باشد. همچنین شهرستان های بيله سوار و گرمی و مشگین شهر دارای نرخ رشد منفی در تمامی دوره ها می باشند که در این بین شهرستان گرمی نیز از دوره ی (۱۳۷۵ - ۱۳۸۵) تا دوره (۱۳۹۰ - ۱۳۹۵) دارای نرخ رشد نزولی بوده است.

در رابطه با ضریب کشش پذیری استان هم می‌توان گفت در بین شهرستان‌های مرزی استان، شهرستان‌های پارس آباد و اردبیل دارای ضریب کشش‌پذیری مثبت در تمامی دوره‌ها می‌باشند. که شهرستان پارس‌آباد با توجه به نرخ نزولی رشد، دارای ضریب کشش‌پذیری نزولی از دوره (۱۳۷۵-۱۳۸۵) تا دوره (۱۳۹۰-۱۳۹۵) می‌باشد. همچنان که شهرستان‌های بیله‌سوار، گرمی و مشکین‌شهر با توجه به منفی بودن نرخ رشد، دارای ضریب کشش‌پذیری منفی در تمامی دوره‌ها می‌باشند.

ارتقای سطح توسعه و اهمیت دادن به مناطق مرزی نقش مهمی در حفظ ترکیب و تعادل جمعیتی این مناطق دارد. جلوگیری از مهاجرت‌های بی‌رویه از مناطق مرزی کشور به سوی شهرهای مرکزی، حفظ ترکیب جمعیتی از طریق کنترل مرزها، بهبود تراکم جمعیتی از طریق ایجاد زیرساخت‌های توسعه‌ای و ... می‌توانند در حفظ تعادل جمعیتی مرزها نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشند. اما امروزه باید توجه داشت که مناطق مرزی بواسطه‌ی دوری از مرکز، انزوای جغرافیایی و توسعه نیافتگی، ناپایداری الگوی اسکان و سکونت، نظام و الگوی مراودات و تبادلات، تفاوت‌های فرهنگی - قومی و نژادی، تهدیدات خارجی و ساختار دوگانه و دوگانگی سیستمی تفاوت‌های فاحشی از نظر برخورداری از رفاه و توسعه در مقایسه با مراکز عمده‌ی جمعیتی دارند، که این تفاوتها منجر به گسست این دو ناحیه و ایجاد یک رابطه استثماری به نفع مرکز می‌شود. نابرابری منطقه‌ای میان مناطق مرزی و مرکزی در اکثر کشورهای جهان سوم امری اجتناب‌ناپذیر می‌باشد، که در اثر ساختارهای متمرکز نظام برنامه‌ریزی در فرآیند تاریخی به وجود آمده است.

راهکارها و پیشنهادات

- ۱- همکاری بخش دولتی و خصوصی جهت ایجاد اشتغال
- ۲- سرمایه‌گذاری بخش دولتی در زمینه تأسیس مؤسسات تحصیلات عالی دانشگاهی
- ۳- بکارگیری سیاست‌های افزایش جمعیت به ویژه در مناطق روستایی
- ۴- تشویق مردم برای افزایش جمعیت
- ۵- سرمایه‌گذاری بخش دولتی در زمینه امور زیربنایی
- ۶- سرمایه‌گذاری بخش دولتی در زمینه ارائه خدمات زندگی
- ۷- ایجاد تسهیلات لازم برای ازدواج جوانان
- ۸- ایجاد خدمات زیربنایی بهداشتی
- ۹- برنامه‌ریزی جهت افزایش سطح کشت محصولات کشاورزی با توجه به توان هر یک از مناطق.

منابع

- ابراهیم زاده، عیسی، موسوی، میرنجف، کاظمی زاد، شمس‌الله. (۱۳۹۱). تحلیل فضایی نابرابری‌های منطقه‌ای میان مناطق مرزی و مرکزی ایران. ژئوپلیتیک، ۱(۱)، ۲۱۴-۲۳۵.
- احمدی، بهمن، دادگر، محمد. (۱۳۹۶). تحلیل توزیع فضایی جمعیت در نظام شهری استان کردستان. مطالعات محیطی هفت حصار، ۲۱، ۵-۱۶.
- پرینان، حاتم، زیاری، کرامت‌الله، میره‌ای، محمد، مدبری، مهدی. (۱۳۹۶). استراتژی‌های توسعه مناطق مرزی با رویکرد آمایش سرزمین (ناحیه مطالعاتی: ارومیه - سلماس). اطلاعات جغرافیایی، ۲۶، ۴، ۱۷۳-۱۸۴.
- تقدیسی، احمد، احمدی شاپور آبادی، محمد علی. (۱۳۹۱). مهاجرت و سالخوردگی جمعیت روستایی ایران: چالشی فراروی توسعه پایدار روستایی. تحقیقات جغرافیایی، ۲۷، ۱، ۱۳۳-۱۶۴.

- توکلی، مرتضی، فاضل نیا، غریب، زارعیف یعقوب، نیک آریا، مهران. (۱۳۹۰). ارزیابی برخی شاخص های ابعاد نابرابری منطقه ای در ایران. *روستا و توسعه*، ۱۴، ۱، ۱۰۱ - ۱۱۷.
- رضایی، رحیم، پور احمد، احمد. (۱۳۸۸). نقش تمرکز فعالیت‌های اقتصادی در افزایش جمعیت کلانشهر تهران. *جغرافیای انسانی*، ۱(۳)، ۵۱ - ۶۶.
- سازمان برنامه و بودجه کشور - معاونت امور اقتصادی و هماهنگی برنامه و بودجه، ۱۳۹۶، ۴۱-۶.
- مرکز آمار ایران (۱۳۷۵)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، اردبیل.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۵)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، اردبیل.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، اردبیل.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، اردبیل.
- سرور، رحیم، عشقی چهاربرج، علی، علوی، سعیده. (۱۳۹۵). اقتصاد فضا و نابرابری های منطقه ای (نمونه موردی : استان اردبیل). *برنامه ریزی منطقه ای*، ۲۴، ۵۹ - ۷۲.
- سرور، رحیم، محمدی حمیدی، سمیه، و سیان، محمد. (۱۳۹۳). بررسی شاخص های توسعه در مناطق مرزی در راستای تحقق امنیت پایدار (مطالعه موردی: شهرستان های مرزی استان آذربایجان غربی). *جغرافیای انتظامی*، ۲(۷)، ۲۵ - ۵۴.
- سعیدآبادی، رشید، حیدری، حسن، موسوی، میرنجف (۱۳۸۹). تحلیل قابلیت های استان های مرزی ایران در توسعه همکاری های بین مرزی با کشورهای همسایه و جهان اسلام، چهارمین کنگره بین المللی جغرافیدانان جهان اسلام، ۱ - ۱۲.
- سید اخلاقی، سید جعفر، عباسی، حمید رضا، رفیعی امام، عمار، درویش، محمد. (۱۳۹۱). تعیین توان پذیرش جمعیتی سرزمین، معیاری مهم در ارزیابی روند بیابان زایی (مطالعه موردی: استان های تهران و البرز). *تحقیقات مرتع و بیابان ایران*، ۱۹(۳)، ۴۹۸ - ۵۱۱.
- شریفی، مریم، جوان، جعفر، شایان، حمید، رهنما، محمد رحیم. (۱۳۹۴). تحلیل علل جمعیت پذیری روستاهای حریم مادرشهرها با استفاده از تحلیل عاملی (مطالعه موردی: قلعه خیابان مشهد). *پژوهش و برنامه ریزی روستایی*، ۴(۱)، ۱۵ - ۲۸.
- شکیبای تاش، محمد نبی، یغفوری، حسین، درویشی، باقر (۱۳۹۴). بررسی شدت عدم تعادل فضایی و منطقه ای رفاه در استان های ایران (مطالعه مقایسه ای رفاه مبتنی بر دیدگاه هاروی و اسمیت). *برنامه ریزی منطقه ای*، ۱۷، ۱۵ - ۳۰.
- صفرآبادی، اعظم، مجیدی ده شیخ، حکیمه، زنگی آبادی، علی، شاه زیدی، سمیه سادات. (۱۳۹۵). توسعه گردشگری شهری با تأکید بر نقش بازارچه های مرزی (مطالعه موردی: بازارچه مرزی پاره). *برنامه ریزی و توسعه گردشگری*، ۱۶، ۹۵-۱۲۶.
- ضابط محبوب، حمید رضا، امین زاده، بهرام، برنافر، مهدی (۱۳۹۲). توزیع تراکم جمعیت در شهر رشت با استفاده از روش AHP. *آمایش محیط*، ۲۸، ۱ - ۲۲.
- عزتی، نصرالله، حیدری پور، اسفندیار، اقبالی، ناصر (۱۳۹۰). نقش و جایگاه آمایش مناطق مرزی در نظام برنامه ریزی (مطالعه موردی: مناطق مرزی ایران). *نگرش های نو در جغرافیای انسانی*، ۳(۴)، ۱۷۹ - ۱۹۷.
- عندلیب، علیرضا، مطوف، شریف. (۱۳۸۸). توسعه و امنیت در آمایش مناطق مرزی ایران، *باغ نظر*، ۱۲(۶)، ۵۷ - ۷۶.
- قدیری معصوم، مجتبی، باغبانی، حمیدرضا، قدیری معصوم، مطهره. (۱۳۹۲). تحرکات جمعیت در نواحی جغرافیایی ایران و پیامدهای آن، پژوهش های جغرافیای انسانی، دوره جدید، ۵۷ - ۷۴.
- کلانتری خلیل آبادی، حسین، ابوبکری، طاهر، قادری، رضا، پور علی، محمد علی، سعیدی، انور. (۱۳۹۰). ارزیابی میزان تحقق پذیری شاخص های توسعه پایدار شهری در مناطق مرزی (مطالعه موردی: شهر پیرانشهر). *مدیریت شهری*، ۳۰، ۲۰۷ - ۲۲۲.
- لاله پور، منیژه، سرور، هوشنگ. (۱۳۹۳). بررسی نقش نظام مدیریت و برنامه ریزی در سازماندهی فضایی جمعیت و فعالیت در منطقه کلانشهری تهران. *جغرافیا و آمایش شهری - منطقه ای*، ۱۱، ۱۰۵ - ۱۲۶.
- لطفی، صدیقه، خیرخواه، زلیخا، اشنویی، امیر. (۱۳۹۲). تحلیلی بر تغییرات جمعیت و اشتغال شهری (مطالعه موردی شهر ساری)، *جغرافیا و برنامه ریزی شهری چشم انداز زاگرس*، ۱۸، ۱۴۳ - ۱۵۵.
- متقی، افشین، ربیعی، حسین، قره بیگی، مصیب. (۱۳۹۴). تحلیل فضایی توسعه نواحی مرزی شرق کشور (مطالعه موردی دهستان های مرزی استان خراسان جنوبی). *اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، ۴، ۱۴۷ - ۱۶۷.

- محمد پور، علی، احمدی پور، زهرا، بدیعی، مرجان. (۱۳۸۵). نقش تحول کارکرد مرز بر فضای جغرافیایی بخش باجیران در مرز ایران و ترکمنستان. *برنامه ریزی و آمایش فضا*، ۱۰(۱)، ۱۴۷ - ۱۷۲.
- مشفق، محمود، حسینی، قربان، خانی، سعید، قهرمانی، علیرضا. (۱۳۹۴). مقایسه ویژگی های جمعیتی مناطق مرزی و غیر مرزی و تبعات آن. *مطالعات مرزی*، ۳(۲)، ۱۲۱ - ۱۵۴.
- موسوی، میر نجف، رحیمی، مارال. (۱۳۹۶). تبیین نقش اسکان جمعیت در تحقق توسعه پایدار مناطق مرزی (مطالعه موردی: استان آذربایجان غربی). *اطلاعات جغرافیایی*، ۱۰۱، ۵ - ۲۳.
- موسوی، میرنجف، زنگی آبادی، علی، تقوایی، مسعود، وارثی، حمیدرضا، زیاری، کرامت الله. (۱۳۸۹). تحلیل ساختار فضایی شهرهای مرزی استان آذربایجان غربی با استفاده از تحلیل های آماری چند متغیره و شبکه های عصبی. *پژوهش های جغرافیایی انسانی*، ۷۱، ۱۰۷ - ۱۲۱.
- موسوی، میر نجف، ویسیان، محمد، خلیفی پور، حکیمه. (۱۳۹۴). اولویت بندی راهبردهای امنیت پایدار در آمایش مناطق مرزی مطالعه موردی استان کردستان. *جغرافیای سیاسی*، ۱(۲)، ۵۳ - ۷۵.
- مهاجرانی، علی اصغر. (۱۳۸۹). ناهماهنگی در توزیع مکانی جمعیت ایران. *جمعیت*، ۷۱ و ۷۲، ۴۵-۶۴.
- وارثی، حمید رضا، احمدی، صغری (۱۳۹۰). بررسی عملکرد شهرهای جدید با تأکید بر جمعیت پذیری (مطالعه موردی: شهر جدید مجلسی). *جمعیت*، ۷۵ و ۷۶، ۱۵۷ - ۱۷۷.
- یاسوری، مجید، حاتمی نژاد، حسین، اسدزاده، هانیه. (۱۳۹۳). بررسی راهکارهای تمرکز زدایی در ایران - تهران (قبل از انقلاب اسلامی تاکنون). *آمایش سرزمین*، ۶(۱)، ۳۱ - ۵۸.
- Lewczuk, J., & Ustinovichius, L. (2015). The concept of multi-functional development of cross-border regions: Poland case. *Procedia Engineering*, 122, 65-70.
- You, Z., Yang, H., & Fu, M. (2018). Settlement intention characteristics and determinants in floating populations in Chinese border cities. *Sustainable cities and society*, 39, 476-486.
- Wang, C., Liu, H., Zhang, M., & Wei, Z. (2018). The border effect on urban land expansion in China: The case of Beijing-Tianjin-Hebei region. *Land use policy*, 78, 287-294.